

کیمیا، قهرمان زندگی خودش است

مستند «کیمیا» به روایت سازنده‌اش



زهرا احمدزاده

مستند «کیمیا» درباره دختر جوانی است که در کودکی دچار خشونت خانگی می‌شود و اتفاقاتی برایش رقم می‌خورد که در زندگی‌اش تأثیر زیادی دارند. ویژگی مهم کیمیا این است که با وجود آسیب‌های زیادی که در زندگی دیده، یک جانشسته و به تکاپو برای پیشرفت در زندگی ادامه و زندگی‌اش را تغییر می‌دهد.

سال ۱۴۰۱ این سوزه از سمت خانه مستند به ما پیشنهاد شد. چندی بعد همایشی در مشهد برگزار شد و کیمیا هم در آنجا حضور داشت. برای جلب رضایت کیمیا و همچنین پژوهش با گروه کوچکی راهی مشهد شدیم و نخستین بار آنجا با او ملاقات کردیم. خوشبختانه از تباط خوبی میان ما شکل گرفت و پلان‌های اول را همان جاضبط کردیم. چیزی که دوست داشتیم در این فیلم نشان دهیم، بعضی باورهای غلط جامعه سنتی نسبت به زنان است که تصور می‌کنند با تسلط بر یک زن می‌توانند او را کنترل کنند و او را زرد شد و پیشرفت باز دارند.

ظاهر مستند «کیمیا» نشان می‌دهد که بسیاری فضایی زینانه‌ای دارد و در این مستند آسئل از زنان حضور دارند اما نکته مهم این کار این است که این مستند می‌تواند برای چند نوع مخاطب جذاب باشد؛ ابتدا دخترانی که حتی یک‌بار تجربه آسیب اجتماعی نداشته‌اند، دوم مردانی که خود به‌عنوان برادر، همسر و پدر در این جامعه زندگی می‌کنند و گاهی دانسته یا ندانسته تصورات غلطی دارند یا اتفاقاً مخالف این نوع نگاه در خانواده‌ها هستند و سوم، دخترانی مثل کیمیا که تجربه رشد خوبی در خانواده‌ها نداشته‌اند. من این کار را بسیار مناسب خانواده‌ها می‌بینم، زیرا تماشاگر آن ذهن و چشم خانواده‌ها را برای مراقبت بیشتر از دختران خود و تربیت پسران، روشن می‌کند.

زندگی معمولی داشتن شاید برای عده‌ای چالشی باشد که بهایش را پرداخته‌اند و کیمیا، قهرمان خودش است. کیمیا در طول زندگی خود توانسته زیر بار زخم‌های گذشته قد خم نکند، بلند شود و به‌عنوان یک انسان معمولی مسیر زندگی خودش را ادامه دهد و این برای من قابل توجه است.



سؤالامان را برای مهدی اصغری از غدی، کارگردان «ماریا»، به‌صورت مکتوب فرستادیم و وقتی جواب‌ها را به ما پس داد، در کمال تعجب با سؤالاتی بیشتر و متفاوت از چیزی که برایش ارسال کرده بودیم، مواجه شدیم. دیگر وقت نداشتیم که جواب سؤالات خودمان را از او بگیریم؛ یا باید از خیر چاپ مصاحبه می‌گذشتیم یا

گفت‌وگو با کارگردان فیلم «ماریا»

فیلمی

چند ژانری ساختم

قبل از «ماریا» چه مسیری را طی کردید؟

من فارغ‌التحصیل کارشناسی کارگردانی سینما و کارشناسی ارشد سینما از دانشگاه هنر هستم. در آموزشگاهی هم تدریس سینما می‌کنم. اثر تلویزیون هم نویسنده‌ام کرده‌ام و فیلم کوتاه هم ساخته‌ام.

ایده اصلی «ماریا» چگونه شکل گرفت؟

یکی از دوستان فیلم کوتاهی ساخت و خانم کردی در این فیلم بازی کرد. این خانم به‌طور جدی علاقه‌مند به بازبگری بود، اما خانواده‌اش در جریان فعالیتش نبودند. از طرفی نقشی که بازی کرده بود، نقش یک روسپی بود و امیدوار بود که این فیلم فقط در جشنواره‌های خارجی نمایش داده شود. اما عوامل فیلم بخش کوتاهی از بازی او را در آپارات بارگذاری کردند و خیلی اتفاقی یکی از اعضای خانواده این خانم آن را دید که منجر به تهدید و مهاجرت این خانم از کشور شد.

با توجه به داستان فیلم، می‌شود گفت که فضای مجازی نقش پررنگی در داستان فیلم دارد.

اساساً چنین ایده‌ای به این می‌پردازد که چه تفاوتی بین پرده بزرگ یعنی سینما و مدیای تازه‌تری مثل فضای مجازی وجود دارد. در واقع به‌ظاهر این گوشی انداز‌هاش کوچک است ولی ممکن است همین تصویر کوچک آسیب‌سهمگین‌تری بزند. سینما با آن پرده بزرگ و به این دلیل که همیشه در دسترس نیست، مانند یک آیین می‌ماند. وقتی تصویر را روی پرده می‌بینیم، ما با اندیشه و تأمل بیشتری آن را دنبال می‌کنیم، ولی وقتی این ابعاد کوچک‌تر می‌شود، مثل فیلم‌هایی که در فضای مجازی می‌بینیم، انگار قدرت تفکر را کاهش می‌دهد. شکل آیینی سینما حرمتی به ما می‌دهد که فکر می‌کنم با حقیقت درست‌تر مواجه می‌شویم، ولی فضای مجازی تا اندازه‌ای این را از ما می‌گیرد.

همکاری با بازیگران حرفه‌ای مثل صابر ابر و پانته آ پناهی‌ها چگونه بود؟

من عاشق بازی آقای صابر ابر در فیلم «پنجاه‌بدون من» هستم و به بازی و صدای درخشان خانم پانته آ پناهی‌ها خیلی علاقه دارم. صادقانه بگویم پولش را نداشتیم که این دوستان در فیلم حضور داشته باشند، ولی من خیلی آدم مصر و پیگیری هستم. ۷ ماه پیگیری کردم تا بتوانم خانم پناهی‌ها و صابر ابر را داشته باشم و با توجه به بودجه بسیار محدود، نمی‌توانستیم در روزهای زیادی از حضورشان استفاده کنیم. خانم پناهی‌ها برای

مصاحبه‌ای را که خودش فرستاده بود، کار می‌کردیم. از آنجا که جواب برخی پرسش‌های ما هم در این مصاحبه بود، تصمیم گرفتیم راه میانه‌ای انتخاب کنیم و آنچه از مصاحبه را که به شناخت بیشتر این کارگردان متولد ۱۳۷۴ کمک می‌کند، منتشر کنیم. دستی به سر و گوش سؤالات کشیدیم و نتیجه، پیش‌روی شماست.



سریال «مرداب» قرارداد داشتند و آقای ابر هم برای فیلم دیگری. در نهایت با دستمزد کمتر توانستیم لطف و همکاری‌شان را با فیلم داشته باشیم. خانم پناهی‌ها بازیگر فوق‌العاده‌ای است که هر چه از ایشان بخواهید ضریرد چند به شما تحویل می‌دهند. مدل کار کردن با ایشان اینطور است که به جوان‌ها خیلی در پروسه کار کمک می‌کنند، چون خودشان مدرس بازیگری هستند و روحیه یک معلم دلسوز را دارند.

«ماریا» یک درام اجتماعی است؟

یک مولتی‌ژانر است. مولتی‌ژانر یا هیبرید ژانری یعنی ترکیب چند ژانر با هم. زمانی که می‌خواستم این فیلم را بسازم مبنایش این بود که فیلمی اجتماعی اما درباره سینما و با ژانرهای مختلف ساخته شود؛ یعنی از مولودام در آن باشد تا حدودی ترسناک، معمایی، کمی کمدی و ازبورد و... یعنی یک فیلم با تلفیق ژانرهای مختلف.

«ماریا» از نظر مضمونی به فیلم‌های کوتاهی که ساخته بودید، شباهتی دارد؟

ماریا خیلی جهان متفاوت و مجزایی دارد. فیلم عجیبی است، اما از نظر تلفیق ژانر شباهت دارد. مثل «ژدها وارد می‌شود» مانی حقیقی فضای خیلی غریبی دارد و حتی می‌شود نگاهی پست‌مدرن به آن داشت، البته کارهای مانی حقیقی را خیلی دوست دارم. قبل از هر چیز چون درس سینما خوانده بودم و درس هم می‌دادم به واسطه کارم دوست داشتم فیلمی بسازم که تلفیقی از فیلم‌های مختلف باشد. این فیلمی است برای عاشقان سینما.

قطعا در فیلم‌های بعدی‌ام هم از تلفیق ژانرها استفاده خواهیم کرد؛ گرچه فیلم بعدی‌ام با فیلم‌ماریا خیلی تفاوت خواهد داشت.

ماریا خیلی جهان متفاوت و مجزایی دارد. فیلم عجیبی است، اما از نظر تلفیق ژانر شباهت دارد. مثل «ژدها وارد می‌شود» مانی حقیقی فضای خیلی غریبی دارد و حتی می‌شود نگاهی پست‌مدرن به آن داشت، البته کارهای مانی حقیقی را خیلی دوست دارم



ماریا



ماریا یک مولتی‌ژانر است. مولتی‌ژانر یا هیبرید ژانری یعنی ترکیب چند ژانر با هم. زمانی که می‌خواستم این فیلم را بسازم مبنایش این بود که فیلمی اجتماعی اما درباره سینما و با ژانرهای مختلف ساخته شود

بیا و بنگر

روز هشتم

گاوراس ورزی در تهران



ناهید پیشور

هیجان‌انگیزترین رخداد بخش بین‌الملل در دهه ۷۰، حضور کوستا گاوراس و فرانچسکو رزی در فجر بود؛ ۲فیلمساز بزرگ که در زمان و مکان مناسب به تهران آمدند و در نشست خبری شرکت کردند.

حضور توأم گاوراس و رزی در جشنواره برای میانسالان آن دوران تداعی‌کننده فستیوال جهانی تهران بود که با حضور چهره‌های شاخص سینمای جهان برگزار می‌شد. از دیگر سینماگران شاخصی که در جشنواره هجدهم به تهران آمدند، می‌توان به اینها اشاره کرد: کریستف زانوسی، مصطفی عقاد و شوزوایچی یاما.

در میانه‌های دهه ۷۰، فیلم‌های راه‌یافته به بخش مسابقه بین‌الملل اغلب فاقد کیفیت و جذابیت بود و برای سینمادوستان و علاقه‌مندان سینمای جهان، همچنان بخش‌های جنبی و مخصوص بخش جشنواره جشنواره‌ها، تماشایی‌تر شد. در آیین اختتامیه جشنواره شانزدهم، عباس کیارستمی رئیس هیأت داوران بخش بین‌الملل، از کیفیت فیلم‌های این بخش انتقاد و آرزو کرد در دوره‌های بعد آثار مناسب‌تری در جشنواره به نمایش درآید.

جالب است که بدانیم در بخش مسابقه بین‌الملل آن دوره، کنار انبوه فیلم‌های ضعیف، آثاری چون «قول» (سرادارن دارند)، «روز هشتم» (ژاکو وان دورمل) و «چهار نعل» (کریستف زانوسی) حضور داشتند. جالب اینکه یک سال بعد دارپوش مهرجویی، رئیس هیأت داوران بخش بین‌الملل از کیفیت فیلم‌های پذیرفته‌شده در این بخش تقدیر کرد. در این سال‌ها بخش بین‌الملل که اختتامیه‌اش در نیمه اول جشنواره فیلم فجر برگزار می‌شد، تبدیل به جایی شده بود که در آن از فیلمسازان شاخص ایرانی که فیلم‌هایشان خیلی مورد توجه داوران مسابقه سینمای ایران قرار نداشت، دلجویی شود. مثلاً در دوره هفدهم در حضور فیلم‌هایی چون «جنرال» (جان بورمن)، «نم من جو است» (کن لوچ) و «برادر الهی ما» (کریستف زانوسی)، سیمرغ بهترین فیلم به «رنگ خدا» (مجیدمجیدی و سیمرغ بهترین کارگردانی به ابراهیم حاتمی‌کیا برای «روبان قرمز» اهدا شد.



فرانچسکو رزی و عباس کیارستمی در هجدهمین جشنواره فیلم فجر